

A Study of Artistic and Aesthetic Function of the Images in the Books of *Hedyehāye* *Āsemāni*

Hassan Ali Sherbatdar^{ORCID}

Ph.D., Arabic language and literature, Ferdowsi University, Mashhad, Iran.
sharbatdar141@yahoo.com

Abstract

The purpose of the present research is to analyze artistic and aesthetic function of the images in the books of *Hedyehāye Āsemāni* (from the 2nd to the 6th stage of elementary school). In this regard, a descriptive-analytical method was used to present accurate analyses of the relationship between artistic images in the elementary level books and Islamic cultural perspectives. In other words, the research question is whether the images in the books of *Hedyehāye Āsemāni* could present religious content in an aesthetic and artistic framework for the students so that it is truly effective on their soul and perception. In order to answer this question, the artistic essence of images as well as aesthetic function of various pictures to present religious content of the school curriculum were analyzed in terms of virtual or mental images, linguistic images (objective or actual or visual), textual images, comparative images, diagnostic images, innovative and new images, relevant images to poetic texts, and the melody of words. The results indicated that lively and rhythmic pictures in Islamic contexts is evidence that the authors and compilers of Islamic curriculum have created the texts by inspiring art and purposefulness so that they have the potential for humans' guidance and enlightenment throughout all ages and places. Within these books, individual pictures are aligned with contextual ones so that verbal, imagery, and intellectual systems of relations are evident in the artistic images vividly and clearly. The function of these artistic pictures is to explain, specify, emphasize, and convey meaning and thoughts completely related to specific and general contexts so their representation can be observed through the integrative relations. In conclusion, it should be said that the Islamic curriculum and their artistic images are great examples of rhythmic, structural, literary, linguistic, and imagery aesthetics.

Keywords: Aesthetics, Artistic Pictures, Curricula, *Hedyehāye Āsemāni*, Elementary Stage.

Received: 2023/10/03; Revised: 2023/12/08; Accepted: 2023/12/26; Published online: 2024/03/21

<https://doi.org/10.22034/RIET.2024.15663.1225>

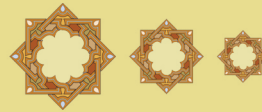
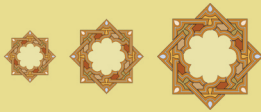
Publisher: Farhangian University

© the authors


<http://tarbiatmaaref.cfu.ac.ir/>

Article type: Research Article





واکاوی کارکرد هنری و زیباشناختی تصاویر کتاب‌های هدیه آسمانی

حسن علی شربتدار 

دکتری، زبان و ادبیات عرب، دانشگاه فردوسی، مشهد، ایران. sharbatdar141@yahoo.com

چکیده

هدف پژوهش حاضر واکاوی کارکرد هنری و زیباشناختی تصاویر کتاب‌های هدیه آسمانی (از پایه دوم تا ششم ابتدایی) است. در این راستا، و با روش توصیفی-تحلیلی، تحلیل‌های دقیقی از ارتباط تصاویر هنری با قالب‌های نگرش فرهنگ اسلامی در کتب ابتدایی ارائه شده است. به عبارت دیگر، سوال پژوهش حاضر این است که آیا تصاویر کتاب‌های درسی هدیه آسمانی توانسته است محتواهای دینی را در قالب زیباشناسی و جنبه‌های هنری برای دانش‌آموزان به گونه‌ای بیان کند که تاثیرگذاری واقعی را در جان و فهم آنها داشته باشد؟ در پاسخ به این سوال، ماهیت تصاویر هنری، کارکرد زیباشناختی انواع تصاویر در بیان محتوای دینی کتب درسی شامل: تصاویر مجازی یا ذهنی، تصاویر زبانی (عینی یا واقعی یا دیداری)، تصاویر بافتی، تصاویر تقابلی، تصاویر تشخیصی، تصاویر ابداعی و تازه، تصاویر متناسب با متون شعری و موسیقی واژگان مورد بررسی قرار گرفتند. نتایج حاکی از آن است که تصاویر زنده و ریتمیک متون اسلامی شاهدهی بر این واقعیت است که مولفان و نویسندگان متون اسلامی با هنرمندی الهام‌بخش و هدفمندی، این متون را ساخته و پرداخته‌اند که در گستره همه زمان‌ها و مکان‌ها قابلیت هدایت‌گری و روشنی‌بخشی برای انسان‌ها را دارد. در این متون تصاویر جزئی و مفرد در کنار تصاویر بافتی آن قرار دارند، به طوری که نظام روابط بیانی، تصویری و فکری آنها در تصاویر هنری آن به‌طور روشن و آشکار خود را می‌نمایاند. کارکرد استفاده از این تصاویر هنری برای توضیح، تبیین، تأکید و رسایی معانی و اندیشه‌هایی است که با بافت‌های جزئی و کلی جملات ارتباط کامل یافته و تصاویر این اندیشه‌ها و معانی آن را می‌توان از خلال روابط منسجم جملات مشاهده نمود. در نهایت باید گفت متون اسلامی کتاب‌های درسی شامل تصاویر هنری نمونه عالی زیباشناختی نظمی، ساختی، ادبی، زبانشناختی و تصویرگری است.

کلیدواژه‌ها: زیبایی‌شناسی، تصاویر هنری، کتاب‌های درسی، کتاب هدیه آسمانی، مقطع ابتدایی.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۱۰/۲۸؛ تاریخ بازنگری: ۱۴۰۲/۱۱/۲۵؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۱۰؛ تاریخ انتشار آنلاین: ۱۴۰۳/۰۱/۰۲
استاد به این مقاله: شربتدار، حسن علی (۱۴۰۳). واکاوی کارکرد هنری و زیباشناختی تصاویر کتاب‌های هدیه آسمانی. پژوهش در آموزش معارف و تربیت اسلامی، ۵(۱)، ص ۶۷-۸۴. <https://doi.org/10.22034/RIET.2024.15663.1225>



۱. مقدمه

مسلمانان در زیبایی‌شناسی متون دینی سرآمد ملت‌ها بوده‌اند و میراث فرهنگی به جا مانده از صدر اسلام تاکنون، بسیاری از موضوعات زیبایی‌شناختی را در خود جای داده، که نمونه بارز آن، آثار ادبی و هنری در جهان اسلام است. این آثار با تنوع شگفت‌آور و دقیق خود، نوعی معرفت زیباشناختی را به امور معنوی و حسی در قالب ادبیات و متون دینی نمایان ساخته‌اند. ادبا و عرفای اسلامی مباحث زیبایی‌شناسی را از مبانی وجودی آن تفکیک نکرده‌اند؛ بلکه در تمدن اسلامی، زیبایی را چهره حقیقت دانسته‌اند. لذا زیباشناس کسی است که با حقیقت وجود و هستی ارتباط دارد؛ یعنی، در کنار زیبایی‌شناسی، اصل الهیات و سیر معنوی و عرفان نیز است. ولی در زیبایی‌شناسی غربی سعی بر آن است که بدنه هستی‌شناسی و دین از هم جدا شود و زیبایی را بدون توجه به ربط آن به عوالم برتر تفسیر کنند؛ یعنی در تمدن غرب، صورتی از هنر و زیبایی پدید آمده که حاصل جدایی از دین بوده است؛ در حالی که در تمدن اسلامی، هنرها ریشه در عرفان دارند و از بدنه عرفانی خود جدا نشده‌اند (ریخته‌گران، ۱۳۸۹، ص ۱۶۳).

نگرش علامه محمدتقی جعفری در تعریف زیبایی متفاوت از دیگران است. او این تعریف را جامع‌ترین دیدگاه درباره زیبایی می‌داند و در موقعیت‌های مختلف کتابش این نظر را تکرار کرده است و در شرح و اثبات آن می‌کوشد. ایشان در تعریف زیبایی می‌گوید: «زیبایی نمودی یا پرده‌ای است نگارین و شفاف که روی کمال کشیده شده است، و کمال عبارت است از قرار گرفتن یک موضوع در مجرای بایستگی‌ها و شایستگی‌های مربوط به خود» (جعفری، ۱۳۶۱، ص ۷۳). در تعبیر او انسان به زیبایی نیازمند است و بدون زیبایی، روح در تاریکی و خشونت ماده خسته می‌شود. زندگی کردن در سیطره کمیت‌ها و امتدادهای هم‌سیر و یکنواخت نیز روح را در خود می‌فشارد. کار زیبایی با انسان نیز در حقیقت جلب نظر اوست، در جهت گسیختن از کمیت‌ها و پرداختن به کیفیت‌ها؛ تا حیات او طراوت و معنا پیدا کند (همان، ص ۲۳). براساس این نظریه اگر انسان‌ها دارای زیبایی و حس زیباشناختی نباشند، در سختی‌های زندگی و خشونت ماده دچار مشکلات می‌شوند و تحمل زندگی برای آن‌ها مشکل می‌شود؛ زیرا روح زیبای آن‌ها در کشش‌های قوانین پیرامونشان خسته شده است و راه نفوذ و عبور بر روی آن بسته می‌شود و قابلیت رشد و تکامل نمی‌یابد. با این توصیفات، سؤالی که در پژوهش حاضر مورد واکاوی قرار می‌گیرد این است، که آیا تصاویر کتاب‌های درسی هدیه آسمانی توانسته است محتواهای دینی را در قالب زیباشناسی و جنبه‌های هنری برای دانش‌آموزان به گونه‌ای بیان کند که تأثیرگذاری واقعی را در جان و فهم آنها داشته باشد؟ همچنین در این پژوهش سعی بر آن است، تا تحلیل‌های دقیقی از ارتباط تصاویر هنری با قالب‌های نگرش فرهنگ اسلامی در کتب ابتدایی ارائه شده و با ارائه شواهدی از آن، نتایج مناسبی در این موضوع به دست آید.

۲. روش و پیشینه تحقیق

پژوهش‌های تحلیل محتوای اسلامی در حوزه‌های مختلف از سوی اندیشمندان مورد بررسی قرار گرفته است و در تألیفات و کتاب‌های خود به زیبایی و شیوایی این متون اعتراف کرده‌اند. یکی از حوزه‌های مهمی که در سال‌های اخیر بیشتر مورد توجه بوده و رویکردهای زیبایی‌شناسانه ناقدان و زبان‌شناسان معاصر را به خود جلب نموده، جنبه زیبایی‌شناسی تصاویر هنری در بیان و آموزش متون اسلامی است. این موضوع توسط عده‌ای از پژوهشگران در کتاب‌های زیر، بیشتر مورد بحث قرار گرفته است:

- کتاب «صورت خیال در شعر فارسی» اثر شفیع کدکنی که به تعاریف و تقسیمات زیباشناسی و نظرات اساتید این حوزه در بیان تصاویر مختلف هنری و زیباشناختی و ارائه شواهدی ادبی پرداخته است.
- کتاب «بلاغت تصویر» اثر محمود فتوحی، به بیان تقسیم‌بندی تصاویر هنری و ارائه نظرات نقادانه و جدید در مباحث تصویر بلاغی و ادبی و کارکردهای آن اختصاص دارد.

- کتاب «زیباشناسی آیات قرآن» اثر سیدحسین سیدی، که به مباحث تصویر هنری، زیباشناسی، نقد نظریه‌های زیباشناسی، ارائه آیات و شواهد دینی و ادبی در بیان تأثیرگذاری بافت‌های اصلی و فرعی متون دینی می‌پردازد.

- کتاب «التصویر الفنی فی القرآن» اثر سیدقطب، که نویسنده با ارائه شواهد قرآنی به بیان تصویرسازی‌های هنری قرآن کریم در بیان موضوعات مختلف و اثرگذاری این تصاویر هنری پرداخته است.

- کتاب «وظيفة الصورة الفنية فی القرآن الکریم» اثر عبدالسلام الراغب نمونه دیگری از این متون است. لازم به ذکر است که نگارنده در این مقاله، از ترجمه فارسی آن کتاب با عنوان «کارکرد تصویر هنری در قرآن کریم» استفاده کرده است، که به بیان کارکردهای مختلف آیات قرآنی در قالب‌های ادبی و هنری و تصویرسازی تأثیرگذار آیات الهی در جان و روان خواننده می‌پردازد.

- علاوه بر کتاب‌های فوق، مقالات متعددی از پژوهشگران در این حوزه وجود دارد که به موضوعات متعددی در بحث زیبایی‌شناسی و تصاویر هنری و ادبی پرداخته‌اند.

در این پژوهش با روش طبقه‌بندی و مقایسه تصاویر هنری در انواع مختلف، به رویکرد تأثیرگذاری تصاویر زیباشناختی در بیان متون اسلامی پرداخته می‌شود و از روش تحلیلی-توصیفی استفاده خواهد شد. همچنین با ارائه شواهد از تصاویر هنری و متون اسلامی، موضوع زیبایی‌شناسی تصاویر هنری که پایه و اساس ترسیم تابلوها، صحنه‌ها و تصاویر جذابی در کتب درسی است، مورد بررسی و تحلیل قرار می‌گیرد.

۳. ماهیت تصاویر هنری

در زمان معاصر با وجود دیدگاه‌های متفاوت درباره هنر در عرصه آراء و نظریات غربی می‌توان گفت که هنر، «وجهی از انعکاس استعداد‌های خیالی و مثالی انسان در قالب آثار مختلف نمایشی، موسیقایی و تجسمی است. حضور برجسته عنصر خیال و تخیل در هنر که جنس قریب آن است، ماهیت آن را کاملاً مشهود می‌سازد» (بلخاری، ۱۳۸۸، ص ۱۴۶). اگرچه عنصر تخیل چیزی بیشتر از خیال است؛ زیرا همه وجود بشری را در بر می‌گیرد و انسان در برابر یک اثر هنری، غیر از برانگیخته شدن عواطف و احساساتش، در یک فضای بالقوه‌ای که دور از دسترس او قرار دارد شرکت می‌کند و دریافت‌های خود را ابراز می‌نماید. اسلام ذات هنر را تجلیل می‌کند؛ فصاحت و بلاغت را که جان مایه زیبایی کلام است، ارج بسیار می‌نهد و کلام خداوند را در زیباترین قالب هنری عرضه می‌نماید. در اسلام با تأکید بر «صوت الحسن» و اعلان اذان یا نوایی خوش - به عنوان شعار اسلام - بر تمامی تمایلات زیبایی‌شناختی انسان مهر تأیید می‌زند و تصویرگری‌های بی‌مثال قرآن از بهشت و عوالم سماوی، ززم جوشنده خیال هنرمندان مسلمان شده است، تا آثاری به تقلید از تصاویر قرآنی خلق کنند (بلخاری، ۱۳۸۸، ص ۱۴۷-۱۴۹).

در ساده‌ترین تعریف هنر می‌توان گفت، شکوفایی و بروز استعداد‌های درونی و زیباشناختی انسان در ساختارهای جذاب و تأثیرگذار و هر دگرگونی که انسان در چهره طبیعت به زیبایی یا بدی ایجاد می‌کند، به عنوان اثر هنری او شمرده می‌شود. هنر برای انسان باید در حیات معقول باشد؛ یعنی هنر باید آن چنان تأثیری در مغز و فکر انسان بگذارد که او را از هرگونه آلودگی‌ها پاک نماید و به جای پوچی‌گری برای جامعه بشریت، به او جان تازه‌ای ببخشد و با جاذبه خود، انسان را به درگاه ربوبی آفریننده تمام هنرها متصل کند. این چنین هنری که از حیات معقول برخوردار باشد، با بارقه‌های ذهنی هدایت شده خود، باعث هدایت‌گری انسان و رساندنش به سر منزل واقعی می‌گردد و عالی‌ترین سودها را به جامعه بشری عرضه می‌دارد. واقعیت هنر را می‌توان در این اشعار حافظ فهمید؛ که اگر هنری جلوه‌گاه صفات و عظمت هنرمند حقیقی این جهان هستی باشد و در آن راهی به سوی خداشناسی و تقرب الهی برای انسان باز شود، هنر واقعی است؛ زیرا جهان هستی جلوه‌ای از هنرنمایی زیبای خالق و آفریننده آن است:

«عکس روی تو چو در آینه جام افتاد / عارف از خنده می در طمع خام افتاد

حُسن روی تو به یک جلوه که در آینه کرد / این همه نقش در آینه او هام افتاد

این همه عکس می و نقش نگارین که نمود / یک فروغ رخ ساقی است که در جام افتاد»

(حافظ، ۱۳۸۳، ص ۷۵).

شعرای دیگر نیز واقعیت هنر و هنرمندی را به خداوند متعال در آفرینش جهان هستی منسوب می‌کنند:

«عکسی از آن جمالیست، هر حسن و هر جمالی / نقشی از آن نگارست، هر نقش و هر نگاری»
(شمس مغربی، ۱۳۸۱، ص ۱۸۳).

«هر آن چیزی که در عالم عیان است / چو عکسی ز آفتاب آن جهان است
جهان چون زلف و خط و خال و ابروست / که هر چیزی به جای خویش نیکوست
تجلی گه جمال و گه جلال است / رخ و زلف آن معانی ز امثال است
صفات حق تعالی لطف و قهر است / رخ و زلف بتان را ز آن دو بهر است»
(شبستری، ۱۳۹۰، ص ۹۴).

از نظر تولستوی «رسالت هنر در زمان ما، عبارت از این است که از حوزه عقل، این حقیقت را که سعادت انسان‌ها در اتحاد آن‌ها با یکدیگر است، به حوزه احساس انتقال دهد و به جای زور و تعدی کنونی، ملکوت خدایی، یعنی سلطنت محبت را مستقر سازد، همان محبتی که در نظر همه ما عالی‌ترین هدف حیات بشریت است» (تولستوی، ۱۳۷۲، ص ۲۲۲)؛ و در نهایت باید گفت: «هنر، تجسم دادن رمزگونه رازها و زیبایی‌های طبیعت و جهان غیب است» (فیروزان، ۱۳۸۰، ص ۳۷).

هنر اسلامی پیش و نمونه خاصی از ارتباط بین هنر و دین است؛ زیرا در کنار مقدس بودن آن، صفت دنیایی بدون ابتدال را نیز دارد که میان آسمان و زمین و بین موضوعات روحانی و دنیایی، جمع کرده است. این هنر تصاویر و بینش‌های دینی را در انواع تجلیات هنری از قبیل معماری، خوشنویسی، نقاشی و تزیینی متجلی ساخته است. اگر بیشتر به این نوع هنر دقت شود، ملاحظه می‌گردد که بعضی از شاخه‌های این هنر مخصوص تصویرگری اسلامی است؛ مانند شاخه‌های تلاوت قرآن کریم یا هنر خوشنویسی که ریشه در آیات قرآنی نازل شده دارد: «أَفْرَأُوْا رَبُّكَ الْأَكْرَمُ، الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ، عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ» (علق، ۵-۳؛ فیروزان، ۱۳۸۰، ص ۶۲، ۷۰).

در فرهنگ و هنر اسلامی، ادبیات و بعد از آن هنرهای تزیینی کارآمدتر و بیشتر در خدمت به دین بوده‌اند و هنرمند اسلامی می‌کوشد با سخن و عبارات، یا تصویر و رنگ، ارزش‌های والای اسلام و حقیقت خلقت و هدفمندی آن را برای نسل‌های آینده به نمایش گذارد؛ ولی در فرهنگ غربی، موسیقی، مجسمه‌سازی و نقاشی پراهمیت‌تر از هنرهای دیگر بوده و مانند هنر اسلامی نتوانسته‌اند، رسالت دینی خود را به انجام رسانند. تصویر از دیرباز در بلاغت اسلامی مطرح بوده است. جاحظ کلمه تصویر را برای شعر به کار می‌برد و می‌گوید: «همانا شعر صنعت و گونه‌ای از بافندگی و نوعی تصویر است» (جاحظ، ۱۹۵۲، ج ۳، ص ۱۳۲). بنابراین، برداشت گذشتگان از تصویر همچنان جزئی و در چهارچوب حسّی باقی مانده و از نگرش کلی و فراگیر به اثر ادبی دور بوده است و به جای توجه به تصویر کلی بافت یا ساختار

کلی تصویر در کل قرآن - که به نظام روابط میان تصویرهای جزئی و کلی و تصویرهای حسی و روانی مبتنی است - به تصویر مفرد یا جزئی توجه داشته است (راغب، ۱۳۸۷، ص ۳۸). در نقد جدید نیز به کلمه تصویر توجه شده و در تعریف و اطلاق آن نظریات مختلفی بیان شده است.

دو اصطلاح «تصویر» و «خیال» در برابر کلمه «ایماژ» فرنگی قرار داده می‌شود؛ زیرا این لفظ از نظر لغوی معنای تصویر، سایه و خیال را می‌دهد (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۸، ص ۱۰). این دو اصطلاح (تصویر و خیال) ارتباط تنگاتنگی با یکدیگر دارند و با همدیگر یکی دانسته می‌شوند، اگرچه تفاوت اندکی بین آن‌ها وجود دارد؛ زیرا «خیال به معنای مجموعه تصرفات بیانی و مجازی در شعر است و تصویر با مفهومی اندک وسیع‌تر شامل هرگونه بیان برجسته و مشخص است؛ اگرچه از انواع مجاز و تشبیه در آن نشانی نباشد» (همان، ص ۱۶). بنابراین، خیال یا تصویر غالباً با عاطفه و احساس همراه است و در تصویرگری خود از موضوعی، باید عاطفه، شور و احساس از آن موضوع را اظهار نمایند، تا در شخص مخاطب تأثیر خاص خود را داشته باشند. در عام‌ترین تعریف «تصویر بر کل زبان مجازی اطلاق می‌شود؛ یعنی آن بخش از کاربردهای خلاقه و هنری زبان که از رهگذر تصرفات خیال در زبان عادی به وجود می‌آید» (فتوحی، ۱۳۸۹، ص ۴۱).

در هر کدام از این تعاریف، برداشت خاصی از تصویر شده است. بعضی ارائه تصاویر ذهنی، بعضی تجربه حسی و بعضی ساختار زبانی را ملاک شناخت تصویر قرار داده‌اند. غالباً در تعاریف جدید، تصویرگری را نمایش و بیان تجربه حسی به وسیله زبان دانسته و گفته‌اند: «ایماژ، تصویر حسی است که در ذهن نقش می‌بندد، از این‌رو آن را تصویر درونی یا ذهنی نامیده‌اند و غالباً تصویر را به حس بینایی محدود کرده‌اند و تنها تصاویر بصری را ایماژ دانسته‌اند؛ ولی بسیار واضح است که تجربه حسی محدود به امور دیداری نیست» (فتوحی، ۱۳۸۹، ص ۴۳). در جمع‌بندی تعریف تصویر می‌توان گفت: «تصویر بهره حسی و درونی از الفاظ، جملات و رفتارها با سبک هنری جذاب است که در خود، پیام‌های هدایت بخشی دارد. بنابراین، تصویر فقط در الفاظ و تخیل هنری و مجازی یا اصطلاح ادبی آن محدود نمی‌شود، بلکه در گستره تصاویری که از فیلم، نقاشی و تئاتر نیز می‌توان معانی والایی را دریافت نمود گنجانده می‌شود. به همین دلیل گفته‌اند: «اصطلاح تصویر از داده‌های روانشناسی، زیباشناسی و نقد در غنای مدلول خود بهره برده است» (راغب، ۱۳۸۷، ص ۴۰).

۴. کارکرد زیباشناختی انواع تصاویر در بیان محتوای دینی کتب درسی

طبقه‌بندی تصاویر هنری در انواع مختلف آن با توجه به رویکرد تصاویر زیباشناختی در بیان متون اسلامی به بخش‌های مختلفی تقسیم می‌شود که در ادامه به بررسی و تحلیل بعضی از آن‌ها در ارتباط با

کتاب درسی ابتدایی پرداخته می‌شود.

۴-۱. تصاویر مجازی یا ذهنی

مجاز در اصل، گذر از معنای حقیقی و وضعی واژه‌هاست به معنایی که ذوق‌ها و خیال‌های تصویرگر آن را می‌پسندد. در تصاویر مجازی در اصل، ایجاد ارتباط با کمک قوه تخیل بین اموری است که در ظاهر ارتباطی با همدیگر ندارند، ولی با تعمق در آن‌ها تازگی و غرابت شگفتی نمایان می‌گردد. در این تصاویر مجازی و بلاغی نباید «به همان حدود جزئی متوقف شویم، بلکه تصویر جزئی را به بافت دهیم و به آن از خلال ساختار تصویر عام بنگریم که تصویر، جزئی از آن باشد که به ایفای نقش و کارکردش در ضمن ساختار عام یا تصویر کلی می‌پردازد و باید این تصاویر را به احساس، روان و اندیشه ربط دهیم؛ زیرا تصویر خالی از آن‌ها تصویری خشک و سرد، یا تصویری به ظاهر زیباست» (راغب، ۱۳۸۷، ص ۷۰). به نمونه‌ای از کارکرد این تصاویر در کتب درسی هدیه‌های آسمانی دقت شود:

♦ در درس دوم از کتاب هدیه دوم با موضوع «پرندگان چه می‌گویند؟»، تصویری از دختری به نام ساجده می‌آید که با تفکر نسبت به آواز گنجشک‌ها و سخنان آنها توسط مادرش به این حقیقت هدایت می‌شود که جیک‌جیک آنها تشکر و قدردانی‌شان از خداوند متعال به خاطر نعمت‌هایی است که به آنها داده است. در نتیجه ما انسان‌ها نیز مانند آن گنجشک‌ها باید سپاسگزار خداوند باشیم. تصویر مجازی و ذهنی که در این صفحه با این معنای عمیق آمده است به زیبایی برای دانش‌آموز مفهوم اندیشیدن در آفریده‌های خداوند و رازهای نهفته در آنها را بیان می‌کند؛ زیرا تصویر طراحی شده دارای جزئیاتی از اندیشیدن در اطراف خود، همراه با تفکر در گفته‌های دیگران است، که به نتایج و بافت‌های اصلی این فکر و اندیشه هدایت می‌شود. با دقت در این تصویر و مفهوم درس و تصویر واقعی که در صفحه بعد از گنجشک همراه شعر «آواز گنجشک» می‌آید، زیبایی کارکرد بیان احساس و اندیشه نهفته در این تصاویر برای دانش‌آموز سال دوم مشاهده می‌شود.

♦ در درس هفدهم از کتاب هدیه پنجم با موضوع «اینها و آنها»، برای بیان موضوعات پر معنا و واقعی دو آیه مبارکه «فَهَوَ فِي عَيْشَةٍ رَاضِيَةٍ، فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ؛ پس او در يك زندگي خوش است، در بهشتي برين» (حاقه، ۲۱-۲۲)، و «وَ مَا أَوْأَاهُمْ جَهَنَّمُ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ؛ و به [سزای] آنچه به دست آورده‌اند جایگاهشان دوزخ خواهد بود» (توبه، ۹۵)، دو تصویر مجازی و ساده ولی پر معنا و مفهوم آورده شده است. در یک جهت تصویر، بهشت، باغ یا جنگلی که سرسبز و خرم همراه با رود جاری است، به تصویر کشیده شده و در کنار آن، تصویر خشکسالی، بی‌آبی و بدون سرسبزی ترسیم شده است. دانش‌آموز در ابتدا به سادگی و مجازی بودن این دو تصویر می‌نگرد، ولی با مقایسه آنها و در کنار هم نهادن بخش‌های جزئی این دو

تصویر، معنای این دو آیه را به خوبی درک می‌کند. در اصل بافت اجزای این دو تصویر و زیبایی آنها او را به مفهوم اصلی درس رهنمون می‌کند و زبان این تصاویر گویا، او را به معانی و مباحثی که قرار است خواننده یا توضیح داده شوند، می‌رساند و وظیفه تأثیرگذاری خود را به انجام می‌رساند.

۴-۲. تصاویر زبانی (عینی، واقعی یا دیداری)

این نوع تصاویر به صورتی است که بدون فاصله بعد از شنیدن یا خواندن جملاتشان، یا مشاهده نمونه‌هایی از آنها، تصویر واقعی آن‌ها در ذهن ایجاد می‌شود و تصاویر ساده‌ای هستند که قابل درک هستند؛ زیرا مستقیماً با ادراک حسی مخاطب سروکار دارند و با واقعیت خارجی منطبق هستند. ذهن مخاطب بعد از شنیدن یا دیدن جملات این تصاویر، دخل و تصرفی در آن‌ها انجام نمی‌دهد و به سادگی آن را مورد پذیرش و تأیید قرار می‌دهد؛ زیرا فرایند ادراکی این نوع تصاویر، کارکرد عادی و طبیعی ذهن انسان است. در اصل این نوع تصاویر به صورت خام و عینی که مشاهده شده‌اند در ذهن ثبت می‌شوند و تخیل در آن دخل و تصرفی نمی‌کند و به‌طور غیرارادی و در نتیجه عمل خودکار ذهن ادراک می‌شوند. بنابراین، بعضی آن را «تخیل اولیه» ذهن نامیده‌اند، که در نازل‌ترین سطح ادراک حسی قرار دارد (فتوحی، ۱۳۸۹، ص ۴۸). تصویر زبانی همان تصویر عینی یا واقعی است که در معنای حقیقی واژگان و الفاظ در ذهن حاصل می‌شود. به نمونه‌هایی از تصاویر واقعی کتاب‌های هدیه دقت کنید:

♦ در درس پنجم از کتاب هدیه دوم با موضوع «وضو می‌گیرم»، آموزش وضو گرفتن صحیح به دانش‌آموزان داده می‌شود. در کنار مطالب آموزشی مختصر و اندک تصاویر واقعی از یک دانش‌آموز در حال گرفتن وضو در مراحل مختلف آن آمده است. این تصاویر زیبای واقعی و عینی، چنان گویای مطالب درسی است که دانش‌آموز بدون اندیشه و تفکر عمیق، بلکه تنها با مشاهده سطحی و اولیه و بدون دخل و تصرف تخیلات ثانویه می‌تواند، وضو گرفتن را بیاموزد و برای معلم خود توضیح دهد، یا با همان کیفیت اجرا نماید.

♦ در درس یازدهم از کتاب هدیه دوم با موضوع «نماز بخوانیم»، تصاویر دیداری و واقعی از دختری به نام زینب که در حال تمرین نماز خواندن با مادرش است، ترسیم شده است. این تصاویر با چادر سفیدی که بر سر زینب شده، فضای ملکوتی و روحانی برپایی نماز را بهتر و جذاب‌تر نموده است؛ به صورتی که وقتی دانش‌آموز به این درس می‌رسد، با دیدن این تصاویر زیبا و هنرمندانه، به خوبی این درس را فرا می‌گیرد و هر لحظه شخصیت خود را در قالب این تصاویر قرار می‌دهد و بدون هیچ دخل و تصرف تخیلات ثانویه، اعمال و اذکار نماز را می‌آموزد و تکرار می‌کند.

♦ در آموزش تصاویر عینی و زبانی از آیات قرآن کریم باید چنان از تصاویر حسی بهره گرفت که

مخاطب صحنه‌ها را آنچنان که هست ببیند و حس کند. مانند آموزش سوره مسد در کتاب قرآن که می‌فرماید: «تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَ تَبَّتْ؛ بریده باد دو دست ابو لهب، و مرگ بر او باد» (مسد، ۱). در این نفرین واضح و مشخص که برای ابولهب به خاطر اذیت و آزاری که او و همسرش نسبت به پیامبر اسلام (ص) انجام داده‌اند، صادر شده است و تصویر واقعی از انجام این نفرین و به انجام رسیدن آن در این آیه کریمه وجود دارد. «فعل اول تَبَّتْ که نفرین را می‌رساند و به معنای هلاکت، نابودی و تکه تکه شدن است می‌گوید که دو دست او بریده باد، یعنی ابولهب نابود و هلاک باد. فعل دوم تَبَّتْ، بیان وقوع این دعا و نفرین است؛ یعنی نابود شد و هلاک گردید. یعنی در یک آیه کوتاه که در سرآغاز این سوره آمده است، دعا و نفرین را صادر و اعلان می‌دارد و در ادامه، آن را تحقّق می‌بخشد و پیاده می‌کند و پیکار به پایان می‌رسد» (سید قطب، ۱۴۱۲ق، ج ۶، ص ۴۰۰).

✦ همچنین در درس اول از کتاب هدیه ششم با موضوع «یکتا»، برای آموزش ترجمه سوره توحید «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، اللَّهُ الصَّمَدُ، لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ، وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ؛ بگو: او خدایی است یکتا، خدای صمد، نه کس را زاده، نه زائیده از کس، و او را هیچ همتایی نباشد» (توحید، ۱-۴) با ذکر نام «الله» تصویری از واقعیت خداوند برای شنونده یا بیننده این اسم جلاله مشهود می‌گردد و تصاویر بعدی که از این ذات مقدس برای او جلوه‌گری می‌کند از احدیت، صمدیت و نفی نمودن شریک و همتا برای اوست. علاوه بر آن افق‌های اندیشه و فکر انسانی او را از آلوده شدن به شرک و پرستش معبودی جز خداوند متعال می‌زداید. تصویر مرکزی که در این سوره و بسیاری از سوره‌های دیگر قرآن نهفته، موضوع الوهیت و احدیت ذات مقدس خداوند را نمایش می‌دهد؛ زیرا از ابتدای سوره با کلمه «أحدٌ» نفی هر نوع تصور دیگری از معبودهای مجازی کرده و در آخر سوره نیز با کلمه «أحدٌ» نفی هر نوع همتا و نظیری برای آن ذات مقدس نموده است. بنابراین، تصاویر عینی و واقعی این سوره با ذکر صفات ربوبی، کامل و جامع خداوند، تصویر مرکزی را تقویت بخشیده و عقل‌ها و اندیشه‌های بشری را متوجه آن ذات بی‌همتا کرده‌اند.

۴-۳. تصاویر بافتی

در تصویر بافتی، تصاویر و صحنه‌های جزئی و تابلوهای هنری وجود دارند که جملات و ترکیب‌های آن بین این صحنه‌ها و تابلوها رابطه و ارتباط محکمی ایجاد می‌کنند، تا به یک هدف والایی که در آن اصول و مبانی دینی متجلی می‌شود، برسد. در این صورت، تصویرهای بافتی متنوع هستند؛ زیرا در آن‌ها تصویری از صحنه‌ها، تابلوها، تصاویر جزئی، تصویر هدف نهایی و کلی وجود دارد. در آموزش آیات قرآنی باید دقت نمود که انواع تصویرها در نهایت به یک تصویر مرکزی برای ابراز کارکرد اندیشه دینی و بیان کارآمدی و تأثیرگذاری آن باز می‌گردد. لذا ناگزیر باید حدود تصویر و چارچوب آن برای بیان این

اندیشه گسترش یابد. تصویر صحنه کامل، گاه به بیش از یک آیه ادامه می‌یابد و در ادای معنای اندیشه دینی شامل چندین آیه می‌گردد، که در این صورت، چند رابطه و چند تصویر جزئی هماهنگ با هم در آن صحنه برای ادای معنای مطلوب دینی مشاهده می‌شود (راغب، ۱۳۸۷، ص ۹۶). به نمونه‌هایی از تصاویر بافتی کتاب‌های هدیه دقت کنید:

✦ در در بخش ایستگاه تفکر درس اول از کتاب هدیه چهارم با موضوع «دانه‌ای که نمی‌خواست بروید»، چهار تصویر زیبا و مختلف از حیوانات گوناگون و راه‌های هر کدام برای برطرف کردن نیازهای غذا، مسکن، پوشش و نوع حرکتشان ترسیم شده است. از این تصاویر جزئی که در یک بافت و رسیدن به یک هدف کلی در کنار هم چیده شده است، هنرنمایی زیبای مؤلفان که با چند رابطه از تصاویر جزئی در کنار هم، یک اندیشه و معنای کلی یعنی دانایی خداوند و احاطه‌اش به همه موجودات را ترسیم نموده‌اند، مشاهده می‌شود. در پایان این تصاویر، دانش‌آموزان به خوبی معنای درس و ترجمه آیه کریمه «أَنَّ اللَّهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا؛ که خدا بر هر چیزی تواناست، و به راستی دانش وی هر چیزی را در بر گرفته است» (طلاق، ۱۲)، را با ترکیب این تصاویر جزئی و رسیدن به یک هدف کلی و اصلی فرا می‌گیرند.

✦ در درس نهم از کتاب هدیه سوم با موضوع «گفت‌وگو با خدا»، تصاویر مختلف جزئی با موضوعات وضو گرفتن، مسواک زدن، شانه کردن مو، عطر زدن و لباس تمیز پوشیدن در کادرهای مجزا و زیبایی ترسیم شده است. در صفحات این درس حدود تصاویر درس همراه با مطالبی از موضوع اصلی آن آمده و چارچوب آن نیز برای بیان اندیشه «شرایط و مقدمات گفت‌وگو با خداوند» گسترش یافته است. این تصاویر ادامه می‌یابد و برای بیان معنای اندیشه دینی گفت‌وگو با خداوند و ادای نماز، چندین تصویر واقعی دیگر از نماز جماعت در صفحه بعد وجود دارد. در نتیجه چند رابطه بافتی در قالب چند تصویر جزئی هماهنگ با هم، در دو صفحه برای ادای این معنای مطلوب دینی به زیبایی به بیان مطلب می‌پردازند.

۴-۴. تصاویر تقابلی

هدف از تصاویر تقابلی، تحریک ذهن مخاطب و فعال کردن قوه خیال از خلال رویارویی صحنه‌ها با یکدیگر در یک متن هنری است. تقابل بین این صحنه‌ها متفاوت و متنوع است (راغب، ۱۳۸۷، ص ۱۰۸). در تصویرهای تقابلی گاهی دو تصویر حاضرند و گاهی هر دو در گذشته‌اند و گاهی هم برعکس یکی حاضر و یکی در گذشته است (سیدی، ۱۳۹۰، ص ۳۵۹). گاهی تصویر تقابلی هر دو در آینده قرار دارد و غلبه یکی بر دیگری را به نمایش می‌گذارد؛ به عنوان مثال، در آیات الهی سوره لیل، غلبه روشنایی روز بر تاریکی و سیاهی شب اینگونه به تصویر کشیده شده است: «وَ اللَّيْلُ إِذَا يُغْشَى، وَ النَّهَارُ إِذَا تَجَلَّى؛ سوگند به

شب چون پرده افکند، و سوگند به روز چون جلوه‌گری آغازد» (لیل، ۱-۲). تصویر رویارویی شب و روز به منزله دو سپاه ظلمت و نور است که در این آیه کریمه غیر از سوگندی که به این دو پدیده یاد کرده، هر دو صحنه را با «إذا»ی شرط در معنای آینده آورده و غلبه روشنایی و روز را بر تاریکی شب به تصویر کشیده است.

در کارکرد تصاویر تقابلی، موضوع تضاد بین دو رفتار نیک و پسندیده با رفتار بد و ناپسند با همدیگر مقایسه می‌شود، تا مخاطب در پایان این مقایسه، رفتار و روش پسندیده را با اختیار خودش انتخاب کند. در این نوع تصاویر، فقط بیان معانی متضاد و متقابل مورد هدف نیست؛ بلکه بیان ایده‌ها و تأثیرات عاطفی و روانی عمیق، که از جنبه‌های زیباشناختی تصاویر به حساب می‌آید، در آنها مشاهده می‌شود (شربتدار، ۱۳۹۵، ص ۱۵۷). به نمونه‌هایی از تصاویر تقابلی کتاب‌های هدیه دقت کنید:

♦ در درس اول از کتاب هدیه سوم با موضوع «آستین‌های خالی»، برای بیان راه‌های تشکر از خدا و راه‌های استفاده صحیح از نعمت‌های خدا، در یک صفحه تصاویر مختلف و از نظر روانشناسی مطابق با سن دانش‌آموزان، ترسیم شده است. در این صفحه تصاویر تقابلی از کارهای خوب در استفاده از نعمت‌های الهی در مقابل کارهای زشت از استفاده نادرست از نعمت‌های الهی ترسیم شده است و دانش‌آموز با نگاه اولیه به این تصاویر و اندکی تفکر و اندیشه در آنها، به مفهوم اصلی درس که تشکر و سپاسگزاری از خداوند و راه‌های صحیح در استفاده از نعمت‌های اوست می‌رسد. نوع رنگ‌آمیزی و ترسیم تصاویر در این درس، حد سطوح رنگی و تصویرسازی، متناسب با گروه سنی کودک است. لذا زیبایی و استفاده از رنگ‌های شاد و نشاط بخش برای این تصاویر، باعث ایجاد اشتیاق و توجه بیشتر دانش‌آموز در درک و فهم صحیح از درس و ترجمه آیات می‌شود.

♦ در درس نهم از کتاب هدیه ششم با موضوع «جهان دیگر»، حدیثی درباره برپایی قیامت آمده است: «إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّبِيعَ فَاكْثَرُوا ذِكْرَ النُّشُورِ؛ هرگاه بهار را دیدید، بسیار از قیامت یاد کنید». در ادامه این حدیث دو تصویر تقابلی زیبا قرار گرفته و از دانش‌آموزان خواسته شده است تا در مقایسه این دو تصویر با همدیگر گفت‌وگو کنند. این دو تصویر زیبا و هنرمندانه از نظر طراحی، روان‌شناسی رنگ و واقعی بودن، متناسب با معنای این حدیث و موضوع درس است. در یک تصویر به زیبایی صحنه بهار و گل‌های باز شده در این فصل به تصویر کشیده شده است، و در تصویر دیگر صحنه‌ای از درختی خشک و محیط سپاه و سفید که خشکسالی و بی‌روح بودن اطراف را نشان می‌دهد، ترسیم شده است. دانش‌آموز با تحریک ذهن خود و دقت در مقایسه دو تصویر و از خلال رویارویی این دو صحنه با یکدیگر، به فهم معنای حدیث مورد نظر می‌رسد و معنای برپایی قیامت را از این مقایسه دریافت می‌کند.

۴-۵. تصاویر تشخیصی

تشخیص یا انسان انگاری که نوعی خیال انگیزی یا صورت‌گری است، عبارت از پوشاندن لباس زندگی و شخصیت به جامدات، پدیده‌های طبیعی، انفعالات و احساساتی است که عواطف و صفات انسانی به آن‌ها داده می‌شود (سید قطب، ۲۰۰۲م، ص ۷۳). همچنین در تعریف آن گفته شده است: «شخصیت بخشیدن و حیات و جنبش دادن به اشیاء و عناصر طبیعت و نیز بخشیدن خصایص انسانی به چیزی که انسان نیست» (شفیعی کدکنی، ۱۳۵۸، ص ۱۵۰). تشخیص یا شخصیت بخشیدن به جامدات و نباتات یکی از صور بلاغت است، که در حوزه استعاره جای دارد؛ زیرا واژه‌ای که برای تشخیص به کار می‌رود، از انسان برای جامدات استعاره می‌شود تا روح پویایی و حرکت انسان را در پدیده‌ها جاری سازد. این نوع صورت‌گری در شعر فراوان آمده است (یاسوف، ۱۳۸۸، ص ۱۵۱). در کتاب‌های هدیه نیز تصاویری زیبا در اثبات معانی دینی و اخلاقی در لباس تصویرگری تشخیصی برای دانش‌آموزان ترسیم شده است، که نمونه‌هایی از آن اشاره می‌شود:

♦ در درس هجدهم از کتاب هدیه سوم با موضوع «آینه سخنگو»، تصویر پسر بچه‌ای به نام رضا با موهای پریشان، لباسی نامرتب و آینه‌ای سخنگو که در حال خندیدن به رضا و صحبت با او است، همراه با اتافی شلوغ از وسایل به هم ریخته و قفسه کتاب‌های نامرتب وجود دارد. در این تصویر، با زیبایی، به آینه‌ای که رضا در مقابلش می‌ایستد، شخصیت داده شده است تا ایرادها و اشتباهات رضا را بازگو کند. در این تصویر تشخیصی، درس عملی و اخلاقی خوبی برای دانش‌آموزانی است که این سخنان را می‌خوانند و از شخصیتی که به یک جسم داده شده است، عواطفشان تحریک می‌شود و درس عبرت می‌گیرند.

♦ در درس چهاردهم از کتاب هدیه چهارم با موضوع «اولین بانوی مسلمان»، تصویر کوه نور و حضرت خدیجه - همسر بزرگوار پیامبر اسلام (ص) ترسیم شده، که در کنار آن به زیبایی، متنی ادبی متناسب با دانش‌آموز سال چهارم را از زبان کوه نور نوشته است. در این تصویر، کوه نور به زبان آمده است و روایت‌گری از خاطرات اوایل اسلام و حضور پیامبر اسلام (ص) و رفت و آمد حضرت خدیجه به آنجا را انجام می‌دهد. با این تصویر، روح پویا و حرکت انسانی در قالب سخن گفتن و نقل خاطرات و روایت‌گری برای جامدی به نام کوه نور، به زیبایی ترسیم شده است که باعث اثرگذاری بیشتر در خواننده می‌شود.

۴-۶. تصاویر ابداعی و تازه

این نوع از تصاویر هنری، شامل تصاویری هستند که ذهن انسان در واقعیت اطرافش ثابت یا به گونه‌ای دیگر مشاهده می‌کند؛ ولی در تصویرگری، نقاش با درهم آمیزی از واقعیت و تخیل یا واقعیتی که هنوز به انجام نرسیده است و در آینده امید به انجامش وجود دارد، خود را نشان می‌دهند. مشاهده‌کننده این نوع از

تصاویر، به انجام رسیدن وقایع یا جریانات ترسیم شده را قبول می‌کند و می‌پذیرد که معنا و مفهوم این تصاویر می‌تواند به صورت معنوی یا واقعی ظاهری به وقوع پیوندد. نمونه‌ای از آن را در تصویری که از متلاشی شدن کوه‌ها در حوادث قبل از قیامت در آیات متعددی آمده است و تشبیهاتی که در این تصاویر هنری وجود دارد، می‌توان مشاهده کرد. البته این موضوع، ابداع و تازگی هنر قرآنی را نشان می‌دهد؛ زیرا کوه‌ها با آن عظمت خود که در زمین محکم و استوار گشته‌اند: «وَ الْجِبَالُ أَرْسَاهَا؛ و کوه‌ها را لنگر آن گردانید» (نازعات، ۳۲)، «وَ الْجِبَالُ أَوْتَادًا؛ و کوه‌ها را [چون] میخ‌هایی [نگذاشتیم]؟» (نبا، ۷) و تصویر آن‌ها در ذهن انسان همیشه ثابت و محکم بوده و هیچ‌گونه حرکت و متلاشی شدن را به خود نمی‌پذیرد، همه این تصاویر با توجه به غریب و دور بودن از ذهن انسان، تازگی تعبیر و ابداعی جدید دارند و در همه آن‌ها، ویژگی عظمت روز قیامت و ترس از این واقعه بزرگ نهفته است؛ تا انسان‌هایی که در غفلت‌اند به خود آیند و متذکر سرانجام غفلت خود باشند. در ادامه به نمونه‌هایی از این نوع تصاویر ابداعی و تازه در کتاب‌های هدیه اشاره می‌شود:

♦ در درس هفدهم از کتاب هدیه پنجم با موضوع «اینها و آنها»، برای بیان حالات اهل بهشت و اهل جهنم، دو تصویر با دو تعبیر بیان شده است. در تصویر اول با رنگ سبز ملایم و گله‌ای با شاخه و برگ به همراه ابرهای سفید که نمودی از بهشت است جملاتی را دارد که با تصویر آن هماهنگ است: «چه روز عجیبی! اینها چقدر خوشحال‌اند؛ و چهره‌هایشان از نشاط و سرور می‌درخشد! هر آنچه اراده می‌کنند از غذاها، میوه‌ها و چیزهای دیگر، خدمتکاران برایشان فراهم می‌کنند...». در مقابل تصویر دیگری با رنگ قهوه‌ای روشن از سرزمینی خشک، با کوه‌ها و خورشید درخشان و سوزان وجود دارد که نمودی از جهنم است و بر روی آن این جملات نوشته شده است: «چه جای عجیبی! آنها چقدر پژمرده و افسرده‌اند و چهره‌هایشان غمگین و غبارآلود است! چقدر حسرت‌زده و پشیمان‌اند!...». در انتهای هر تصویر، آیه‌ای از قرآن کریم متناسب با تصویر و مطالب نگاشته شده، آمده است که زیبایی این تصویر هنری جذّاب را بیشتر می‌کند. در این تصویرگری، مؤلف با درهم‌آمیزی از واقعیت و تخیل، واقعیتی را که هنوز به انجام نرسیده است و در آینده امید به انجامش وجود دارد، به زیبایی ترسیم نموده است؛ که این نوع از تصویرگری زیبا و رسا، برای فهم بهتر موضوع به نظر می‌رسد.

♦ در بخش «همخوانی کنیم» درس سوم از کتاب هدیه چهارم با موضوع «ما به مسجد می‌رویم»، تصویر دو گلدسته مسجد که کبوتری نیز بر روی آنها به پرواز درآمده است، همراه تصویر بچه‌ای با لباس مرتب و ظاهری زیبا در فضای آسمانی بین دو گلدسته مسجد وجود دارد؛ که با این تصویر شعر زیبایی متناسب با آن نوشته شده است: «می‌رسد از راه دور، نغمه سبز اذان، دست‌ها پل می‌زنند، از زمین

تا آسمان...». در این تصویر، ترسیم‌گر با کشیدن تصویر واقعی همراه با تخیل‌گرایی، که تصویر انسانی در حال عبادت را در فضای آسمانی می‌آورد و اشعاری متناسب با این صحنه، می‌کوشد تا دانش‌آموزان آن اشعار را با همدیگر همنوایی کنند. در اصل تصویر تازه جذابی را ترسیم می‌کند که بیننده با تماشای آنها به مفاهیم والایی که در آن وجود دارد، برسد. همچنین مشاهده‌کننده این تصویر می‌پذیرد که معنا و مفهوم آن می‌تواند به صورت معنوی یا واقعی به وقوع بپیوندد.

۴-۷. تصاویر متناسب با متون شعری و موسیقی واژگان

ناقدان روابط نهانی و پوشیده لفظ و معنا، توانایی آهنگ‌ها و آواها بر دلالت بر معنا را بیان کرده‌اند و از جمله شرایط شعر نیکو را هماهنگی و تناسب لفظ و معنا می‌دانند؛ به طوری که معتقدند، لفظ نرم و لطیف برای معنای ظریف و لفظ محکم و فصیح برای معنای قوی و متین به کار می‌رود (غزّیب، ۱۳۷۸، ص ۱۵۸). در زبان فارسی و عربی، موسیقی الفاظ با تنوع آواها، حرکات، واژگان و جملات هماهنگ و موافق است؛ به طوری که بلندی و کوتاهی حرکات با خصوصیات و ویژگی‌های نوع حروف، تأثیر بسیاری در تغییر آهنگ و موسیقی جملات دارد. این هنر صوتی در آیات قرآن مخصوصاً در سوره‌های کوتاه جزء سی، کاملاً رعایت شده است و از جنبه‌های اعجاز بیانی قرآن به حساب می‌آید.

در صفحات مختلف کتاب‌های هدیه، سروده‌هایی پر معنا همراه با تصاویر زیبایی که با معنا و ریتم آن سروده‌ها هماهنگ می‌باشد، آمده است. این تصاویر گاهی به صورت نقاشی‌های زیبا با رنگ آمیزی‌های متنوع، جذّاب و مناسب با سن دانش‌آموزان در سال‌های مختلف تحصیلی است و گاهی تصاویر حقیقی گرفته شده از محیط زندگی و جهان هستی می‌باشد؛ که همه این نوع تصاویر در رسایی مفاهیم والایی دینی برای دانش‌آموزان مناسب است. به نمونه‌هایی از این نوع تصاویر متناسب با معنا و آهنگ واژگان در کتاب‌های هدیه توجه کنید:

♦ در بخش «همخوانی کنیم» درس دوازدهم از کتاب هدیه چهارم با موضوع «روزی برای تمام بچه‌ها»، تصویر زیبایی از امام مهدی (عج) همراه با سه بچه که با شادمانی خود را به امام زمان (عج) چسبانده‌اند و شادی می‌کنند، همراه با رنگین کمان، پروانه‌ها و گل‌های زیبا با رنگ‌های شاد وجود دارد. زیبایی این تصویر زمانی آشکار می‌شود که با شعر و سروده آن مقایسه و همخوانی شود. موسیقی و ریتمی که در این سروده وجود دارد، با شادمانی بچه‌ها و رنگ‌های ترسیم شده در این تصویر، در هماهنگی کامل است و توانایی آهنگ‌ها و آواهای این سروده را در دلالت بر معنای واژگان و هماهنگی با تصویر جذّاب بیان می‌کند.

♦ «منتظرم که گل دهد، درخت آرزوی من، قشنگ و تازه‌تر شود، تمام رنگ و بوی من، منتظرم که

برسی، مرا زغم رها کنی، زمین خسته را پر از، محبت و صفا کنی...».

♦ در بخش «با هم بخوانیم» درس نهم از کتاب هدیه سوم با موضوع «گفت‌وگو با خدا»، تصویر واقعی و زیبا از مسجد شیخ لطف‌الله اصفهان با گنبد کاشی کاری شده همراه با منظره زیبای حوض آب جلوی آن، با رنگ‌های جذّاب وجود دارد. به همراه این تصویر، شعر زیبایی با عنوان «بانگ توحید» با ریتم و آهنگ شیوایی نوشته شده است. موسیقی و معنای واژگان این شعر با تصویر و رنگ‌های زیبای زمینه آن هماهنگی و توافق کامل دارد.

♦ «پیش از طلوع خورشید/ وقتی سپیده سر زد/ وقتی پرند شپ/ از بام خانه پر زد/ برخاستم من از خواب/ رفتم وضو گرفتم/ دست دعا گشودم/ یاری از او گرفتم/ از پشت بام مسجد/ برخاست بانگ توحید/ بار دگر به دل‌ها/ نور نشاط بخشید/ من جا نماز خود را/ آهسته باز کردم/ آن گاه با خدایم/ راز و نیاز کردم».

۵. نتیجه‌گیری

نتیجه پژوهش در موضوع کارکرد زیباشناختی تصاویر هنری موجود در کتاب‌های هدیه دوران ابتدایی، تبیین رابطه معنا با تصویرگری هنری، هدفمند بودن تصاویر به کار گرفته شده، بیان نگرش‌های اسلامی به زندگی، جهان هستی و انسان در ساختارهای تصاویر متون اسلامی و قرآنی و بیان زیبایی‌های هنری در واژگان ادبیات اسلامی بوده است. تصاویر زنده و ریتمیک متون اسلامی شاهدهی بر این واقعیت است که مؤلفان و نویسندگان متون اسلامی با هنرمندی الهام‌بخش و هدفمندی، این متون را ساخته و پرداخته‌اند که در گستره همه زمان‌ها و مکان‌ها قابلیت هدایت‌گری و روشنی‌بخشی برای انسان‌ها را دارد و تصاویر هنری، زنده و متحرک آن به همراه واژگان و جملات زیبا، تأثیربخشی بسیاری در عواطف و احساسات مخاطبان خود می‌گذارد. در این متون، تصاویر جزئی و مفرد در کنار تصاویر بافتی قرار دارند؛ به طوری که نظام روابط بیانی، تصویری و فکری آن‌ها در تصاویر هنری به‌طور روشن و آشکار خود را نشان می‌دهند. کارکرد استفاده از این تصاویر هنری برای توضیح، تبیین، تأکید و رسایی معانی و اندیشه‌هایی است که با بافت‌های جزئی و کلی جملات ارتباط کامل یافته‌اند و تصاویر این اندیشه‌ها و معانی آن را می‌توان از خلال روابط منسجم جملات مشاهده نمود. در نهایت باید گفت، تصاویر هنری کتاب‌های درسی متون اسلامی، شامل نمونه عالی زیباشناختی نظم، ساختی، ادبی، زبان‌شناختی و تصویرگری است که پیوسته بر عظمت آن‌ها افزوده می‌شود و مخاطبان را در زمان‌های مختلف به الهام گرفتن و هدایت‌بخشی از آن، با سبک‌های مختلف وامی‌دارد. با وجود این همه مزایا و ویژگی‌های ارزشمند در این کتاب‌ها، جای آن دارد که مؤلفین گرامی، شنوای پیشنهادها سازنده ناقدان و دلسوزان این کتاب‌های ارزشمند باشند، تا در طراحی تصاویر تأثیرگذار بیشتر دقت کنند و در بعضی از متون درسی، تغییرات سودمندی برای افزایش خیر و برکت انجام شود.

— منابع —

قرآن کریم.

- بلخاری، حسن (۱۳۸۸). اورنگ. تهران: سوره مهر.
- تولستوی، لئون (۱۳۷۲). هنر چیست. ترجمه کاوه دهگان. تهران: امیرکبیر.
- جاحظ، عمرو بن بحر (۱۹۵۲م). *الحيوان*. تصحيح عبدالسلام هارون. القاهرة: مكتبة الخانجي، ج ۳.
- جعفری، محمدتقی (۱۳۶۱). *زیبایی و هنر از دیدگاه اسلام*. تهران: انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- حافظ، شمس الدین (۱۳۸۳). *دیوان حافظ*. تهران: نشر دوران.
- راغب، عبدالسلام احمد (۱۳۸۷). *کارکرد تصویر هنری در قرآن کریم*. ترجمه سید حسین سیدی. تهران: نشر سخن.
- ریخته گران، محمدرضا (۱۳۸۹). *هنر زیبایی تفکر*. تهران: نشر ساقی.
- سیدی، سید حسین (۱۳۹۰). *زیباشناسی آیات قرآن*. قم: نشر پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.
- شبستری، محمود (۱۳۹۰). *گلشن راز*. تهران: نشر شرکت تعاونی کارآفرینان فرهنگ و هنر.
- شربتدار، حسن علی (۱۳۹۵). *گلشن ادب*. سمنان: انتشارات حبله رود.
- شفیعی کدکنی، محمدرضا (۱۳۵۸). *صور خیال در شعر فارسی*. تهران: انتشارات آگاه.
- شمس مغربی، محمد شیرین (۱۳۸۱). *دیوان شمس مغربی*. تحقیق ابوطالب میرعابدینی. تهران: نشر امیرکبیر.
- عزّیب، رُز (۱۳۷۸). *تقد بر مبنای زیبایی شناسی*. ترجمه نجمه رجائی. مشهد: مؤسسه دانشگاه فردوسی.
- فتوحی، محمود (۱۳۸۹). *بلاغت تصویر*. تهران: نشر سخن.
- فیروزان، مهدی (۱۳۸۰). *راز و رمز هنر دینی*. تهران: نشر سروش.
- قطب، سید (۱۴۱۲ق). *فی ظلال القرآن*. القاهرة: دارالشروق، ج ۶.
- قطب، سید (۲۰۰۲). *التصوير الفنى فى القرآن*. القاهرة: دارالشروق.
- یاسوف، احمد (۱۳۸۸). *زیباشناسی واژگان قرآن*. ترجمه سید حسین سیدی. تهران: نشر سخن.